

سعید مدنی

۱ نقشه‌ی خونین فقر و نابرابری در ایران

بنا بر گزارش سخنگوی قوه‌ی قضاییه (۱۴۰۴/۱۱/۲۹) در جریان اعتراضات دی‌ماه در ۳۱ استان دست‌کم برای حدود ۱۰ هزار و ۵۳۸ نفر بازداشت‌شده قرار جلب دادرسی صادر شد. در زندان فرصت یافتن با تعدادی از بازداشت‌شدگان دی‌ماه از نزدیک گفت‌وگو کنم. پس از آن هم گزارش‌هایی از دیگر دوستان زندانی در دیگر زندان‌ها که از نزدیک با انبوه جوانان بازداشت‌شده در ارتباط بودند شنیدم. در مجموع چند ویژگی وجه اشتراک بازداشت‌شدگان را تشکیل می‌داد:

۱) اکثریت قریب به اتفاق به گروه سنی جوان در حد فاصل ۱۸ تا ۳۰ سال قرار داشتند، اگرچه در میان آنها جمعی کمتر از ۱۸ سال و میان‌سال نیز بودند؛

۲) اکثریت قریب به اتفاق از گروه‌های کم‌درآمد یا متوسط فقیر بودند. در تهران عاملیت طبقه‌ی متوسط فقیر در دامنه‌ی وسیع اعتراضات در محلاتی مثل اسلام‌شهر در جنوب، نازی‌آباد در مرکز، تهران‌پارس در شرق و صادقیه و ستارخان در غرب تهران به‌روشنی قابل‌مشاهده بود.

۳) اغلب بازداشت‌شدگان بیکار یا دارای مشاغل با درآمد پایین مثل راننده‌ی اسنپ، پیک باربر، شاگرد مغازه یا کارگر و مکانیک بودند.

۴) اغلب تحصیلات دیپلم و کمتر داشتند و ترک تحصیل کرده بودند.

۵) بخش قابل‌توجهی از بازداشت‌شدگان تهران مهاجر از دیگر شهرها بودند. در گزارش مدیر عامل بهشت زهرا آمده که بیش از ۵۰ درصد اجساد جان‌باختگان در تهران برای خاکسپاری به شهرستان‌ها اعزام شدند (دنیای اقتصاد ۱۴۰۴/۱۱/۳). در گزارشی که «معاونت تبلیغ حوزه علمیه» بر اساس نمونه‌ای از بازداشت‌شدگان دی‌ماه منتشر کرده، نتیجه گرفته که مهم‌ترین مشخصه‌های آنها مرد، جوان، مجرد، کم‌تحصیل، بدون سابقه‌ی کیفری، و متعلق به طبقه‌ی متوسط و فقیر بوده است (روزنامه اعتماد ۱۴۰۴/۱۱/۹). به‌رغم سهم پایین زنان در اعتراضات دی‌ماه در مقایسه با اعتراضات «مهسا» بنا بر برخی شواهد سهم زنان از جان‌باختگان دی‌ماه بیشتر از سهم آنان از جان‌باختگان خیزش مهسا بوده است (حاجی زادگان ۱۴۰۵). به‌تصور من اگر بخواهیم این مجموعه را در قالب الگوهای جنبشی گذشته جای دهیم، می‌توان آن را تداوم جنبش جوانان در ایران محسوب کرد.

در ایران از حدود ۲۴ میلیون جمعیت ۱۵ تا ۳۴ سال دست‌کم ۱۲ میلیون نفر یعنی ۱۴ درصد جمعیت کشور نه تحصیل می‌کنند و نه شاغل هستند. شواهد نشان می‌دهد که موتور اصلی اعتراضات دی‌ماه این گروه بودند. این جمعیت قابل‌توجه و پرانرژی در بستر اجتماعی زندگی می‌کنند که در آن کمترین امیدی به بهبود وضعیت اشتغال و آینده ندارد. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ حدود ۲۰۰ هزار نفر به خالص اشتغال اضافه شده که معادل ۳۳ هزار نفر در سال است؛ در همین حال، دست‌کم سالانه حدود ۷۵۰ هزار نفر به جمعیت بالاتر از ۱۵ سال اضافه می‌شود که وضعیت موجود پاسخی به مطالبه‌ی آنها برای اشتغال ندارد. از دیگر مختصات بستری که این جمعیت جوان بیکار و خارج از تحصیل در آن به سر می‌برد تورم ساختاری ۷۰-۸۰ درصدی و بیشتر است که گروه‌های متوسط را به زیر خط فقر می‌کشانند و گروه‌های فقیر را به فلاکت و در همان حال شکاف فقیر و غنی و نابرابری را آن‌چنان عمیق می‌کند که هیچ آینده‌ی روشنی را برای تحرک طبقاتی و اجتماعی به جا نمی‌گذارد. این سطح از نابرابری در سطح جهان کم‌نظیر است. در کنار این‌ها فساد عمیق ساختاری و تبعیض‌های جدی، این جامعه‌ی جوان را عاصی و شورشی کرده و نیروی محرک و شریک در هر اعتراض اجتماعی علیه وضع موجود...

▼ متن کامل

منبع: ایران فردا

@Kaleme